

زنان و ادبیات فارسی

از شنیدن خبر مرگ ناگهانی دوستم چند وقتی می‌گذشت، دوست من در سانه رانندگی در کشور دیگری در گذشت و رفتنش داغ سنگینی بر دل من گذاشت. روزهای متوالی ناراحت و پریشان بودم، در آن ایام نه حوصله گپ و گفت با دیگران را داشتم و نه دیدن کسی را، نمی‌توانستم بخندم یا شاد باشم، ساعت‌های متوالی کار می‌کردم و در اوقات بیکاری نواهای غمگین گوش می‌دادم. ترجیح گوش دادن به آهنگ‌ها و ملودی‌های بیکلام بود. چندباری که ترانه‌های غمگین عاشقانه گوش دادم حس غریبگی و نامأنوس بودن داشتم. کلمات نامتجانس بودند، گویا من مردی هستم که در رسی سوگ معشوق می‌گیرم.

سوز و گداز برای عشق از دست رفته، معشوق بی‌وفا، جور و ظلم یار فحوی و صورتی مردانه دارد. «مجنون دل من، لیلا نیامد» برای من و بسیاری از زنانی که اشعار محزون و عاشقانه را گوش می‌دهند، به جز لذت از صدا و موسیقی، شعر ارتباط معنایی ندارد. در ادبیات فارسی زنان لیلا و مردان مجنونند، ولی عمده ابیات فارسی از زبان مردان برای معشوقشان گفته شده و بازخوانی این ابیات در موسیقی سنتی ایران از زبان مردان، فضایی مردانه و غریب برای شنوندگان زن ایجاد کرده است. به 40 سال گذشته که نگاه کنیم به دلیل ممنوعیت خوانندگی زنان و انحصار خوانندگی برای مردان، ترانه‌سرایی حتی در آن بخش که ترانه‌ها توسط بانوان سروده شده، چون از زبان و از قول مرد خوانده می‌شود، فضایی مردانه و نامتجانس با احساسات، عواطف و طبع زنانه یافته است. نگاهی به اشعار عاشقانه فارسی در ادبیات سنتی و مدرن بیندازیم، متوجه می‌شویم، کمتر از ده درصد این ابیات از قول زنان گفته شده است. عمده ابیاتی که زنان از شرح و درد عشق می‌گویند در شاهنامه، منظومه‌های نظامی گنجوی و در بخشی از ادبیات مدرن مانند منظومه افسانه نیما یوشیج، که شخصیت محوری داستان زن است را می‌توان جست‌وجو کرد، سایر متون ادبیات فارسی تک و توك ابیاتی در این حوزه دارند. سوالی که ممکن است در ذهن خواننده مطرح شود که آیا تفاوتی دارد؟ [عشق](#) جنسیت ندارد چرا باید برای شنونده جنسیت کلام شعر اهمیت داشته باشد؟ بله. تفاوت عمیقی میان عشق و عشق ورزیدن در زنان و مردان وجود دارد. معشوق در تعریف مردانه صفاتی دارد که در نگاه زنانه آن صفات اهمیت کمتری دارند یا از پایه فاقد معنا هستند، وصف حس و فضای حزن‌انگیز عشق در زنان و مردان تفاوت دارد. برای مثال وقتی شاعری می‌گوید مژگان سیه، معشوق زن در نظر است و کمتر زنی برای توصیف معشوق خود ابتدا به

مزگان سیه، چشمان خمار یا شوخ نگاه او توسل می‌کند.

از این دست مثال‌ها در ادبیات فارسی بسیار است. کلام مردانه، توصیفات مردانه و آنچه برای مردان معنای عشق می‌دهد، صرفنظر از استعاری بودن یا نبودن آن، برای زنان آوا و معنای بسیار متفاوتی دارد. به اصطلاح می‌توان گفت ادبیات عاشقانه ما تمام در وصف لیلی‌ها و شیرین‌هاست و اگر زنی بخواهند هم ذات پنداری کند و برای معشوق خود کلامی، بیتی زمزمه کند، به سختی می‌تواند حالات عاشقانه خود را از کلام همان لیلی‌ها در وصف مجنون بیابد. قصد این نوشته حمله و نقد کردن ادبیات فارسی نیست، غلبه مردانه در حوزه زبان و ادبیات فارسی شرحی مفصل دارد که در این مقال نمی‌گنجد، اما آنچه باید مطرح شود خالی بودن یا نبودن کلام زنان در اشعار و ترانه‌هایی است که امروز در حوزه آواز و ترانه خوانده می‌شود.

در دو‌یست سال اخیر با تغییر در مناسبات و ساختارهای اجتماعی ایران، مجال برای حضور زنان در حوزه شعر و موسیقی گسترده‌تر از قبل شده است. با رواج خوانندگی زنان در فضایی جز اندرونی خانه‌های اعیانی، بخش عمده‌ای از آحاد جامعه که زنان نیز جزو آن بودند با صوت و گفتار زنانه آشنا شدند. ترانه‌هایی که در صد سال گذشته برای خوانندگان زن گفته و نوشته شده، به روشنی کلام، وزن و ضرباهنگی متفاوت از اشعار گذشته داشتند. شعرا و نویسندگان زن همانند فخرالدوله، قمرالملوک وزیری، پروین اعتصامی، فروغ فرخزاد، هنگامه اخوان، زندهخت شیرازی، طاهره صفارزاده، امینا قزوینی، پوران فرخزاد، سیمین بهبهانی و امثالهم تلاش بسیاری کردند تا فضای مردانه و متکلم‌وحده شعری ایران را شکسته و صدای زنان را به گوش برسانند و مورد اقبال قرار بگیرند. اما با ممنوعیت خوانندگی زنان، این دریچه کوچک نیز بسته و کلام موسیقی در ایران بار دیگر یکپارچه مردانه شد.

. نیاز زنان به شنیدن غنای دردل‌های زنانه و عاشقانه‌های لیلاوارشان خاموش شده. در چنین ساختاری پرورش نسل جدید شاعر، ترانه‌سرا که با احساسات زنان آشنا باشند و بتوانند آن را به نظم و سجع بسرایند از دست رفته و امکان رقابت و برابرسازی حوزه شعر و ادبیات از زنان ناخودآگاه گرفته شده و مخاطبان فحوی ادبیات زنانه را در محاق قرار داده است. چند روز قبل وقتی کار جدید به نوازندگی تهمورث پورناظری به نام «لیلا» را گوش می‌دادم، هر بار رضا بهرام می‌خواند «مجنون دل من، لیلا نیامد» با خود می‌گفتم: من لیلام، برایم از مجنون بگوئید. «لیلا دل من، مجنون نیامد».

دکتر کبری درویش پیشه

مرکز مشاوره

حال خوب

ازدواج ، طلاق ، خانواده ، تحصیلی

قزوین ، خیابان شهید بابایی، مقابل دادگستری قزوین

۰۹۱۰۲۹۰۴۷۵۸

باتعین وقت قبلی

۰۲۸۳۳۶۷۲۷۵۰